

بررسی زمان روایی در قصص قرآنی براساس دیدگاه ژرار ژنت

(نمونه موردی: مطالعه داستان اصحاب کهف در فالنامه مصور محفوظ در موزه توپ‌قاپی سرای)

چکیده

زمان از مباحث مهمی است که توجه روایت‌شناسان متعددی را به خود مشغول کرده است. در این بین، نقش ژرار ژنت، روایت‌شناس ساختارگرایی فرانسوی را نمی‌توان نادیده گرفت. از نظر وی، زمان روایی یکی از مؤلفه‌های مهم در پیشبرد روایت داستان است. باتوجه‌به نظریه ژنت، نظم و ترتیب، زمان‌پیشی با گذشته‌نگری، آینده‌نگری، تداوم با استفاده از حذف، خلاصه‌گویی، درنگ توصیفی و صحنه‌نمایشی و همچنین اشکال گوناگون بسامد و تکرار تأثیر داستان را افزایش می‌دهد. در همین راستا، جستار حاضر بر آن است تا ضمن تبیین نظریه زمان روایی ژرار ژنت، میزان مطابقت آن را با داستان قرآنی اصحاب کهف بررسی نماید. نتایج حاصله از این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای نظریه روایت‌شناسی ژنت انجام شده، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های زمانی ژنت در داستان اصحاب کهف به نحو شایسته و مطلوبی به کار رفته است. آنجا که هدف عبرت بشر است از گذشته‌نگری استفاده شده و آینده‌نگری نشان‌دهنده علم و قدرت خداوند است. از نظر تداوم، به‌ندرت شتاب ثابت دیده می‌شود و بیشتر حذف و خلاصه‌گویی استفاده شده است. آنجا که صحبت از راه سعادت و شقاوت و یا موضوع مهمی است، برای دقت مخاطب شیوه درنگ توصیفی و صحنه‌نمایشی به چشم می‌خورد. بسامد و تکرار غالب در این داستان قرآنی بیشتر از نوع مکرر است که همه این موارد نشان‌دهنده اعجاز قرآن است که با بسیاری از نظریات جدید روایت‌شناسان منطبق است.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین نظریه زمان روایی ژرار ژنت.

۲. تطبیق نظریه زمان روایی ژرار ژنت با قصه اصحاب کهف.

سؤالات پژوهش:

۱. داستان اصحاب کهف چگونه با نظریه زمان‌روایی ژرار ژنت قابل بررسی است؟

۲. عناصر زمان روایی (نظم، تداوم و بسامد) چگونه داستان اصحاب کهف را پیش می‌برد؟

کلیدواژه‌ها: زمان روایی، ژرار ژنت، داستان اصحاب کهف، نظم، تداوم.

مقدمه

یکی از ارکان مهم در فهم داستان، آگاهی از زمان آن است. اینکه زمان در ترکیب و بافت کلام چه نقشی و جایگاهی دارد. موضوع ارتباط میان زمان و روایت، در نظریات روایت‌شناسی و ساختارگرایی موردتوجه قرار گرفته است. «بسیاری از نظریه‌پردازان، فهم زمان را تابع فهم و کنش روایت می‌دانند؛ زیرا تجربه‌ای که در مسیر زمان رخ می‌دهد، با زمان دانسته و شناخته می‌شود و با کنش روایی همراه است. زمان بی‌معناست مگر این که خود زمانمند شود؛ یعنی به بیان درآید، یا به گفته ارسطو روایت شود» (احمدی، ۱۳۸۰: ۶۳۵)؛ بنابراین، زمان به روایت شکل و ساختار می‌دهد. روایت و داستان بدون زمان وجود ندارد؛ زیرا یکی از سازه‌های اصلی هر روایتی، کنش یا رویداد است که بر مبنای حرکت و زمان شکل می‌گیرد. ژرار ژنت فرانسوی از نظریه‌پردازانی است که به مبحث زمان اهمیت بسیار داده است. وی نظریه زمان روایی را در سه مقوله نظم، تداوم و بسامد بررسی نموده است. از آنجایی که قرآن در بسیاری از روایت‌ها و داستان‌ها، مخاطب را در مقابل وقایع تاریخی قرار می‌دهد، اما به زمان وقوع آن‌ها اشاره نمی‌کند، و از عنصر زمان به اقتضای موقعیت و در حد ضرورت بهره می‌برد، در این جستار، عناصر زمان روایی بازگو شده از سوی ژنت، در داستان اصحاب‌کهف که در سوره کهف قرآن ذکر شده، بررسی می‌شود و به مسائل پیچیده، پدیدارشناسانه و فلسفی پرداخته نمی‌شود. تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره داستان اصحاب‌کهف به چاپ رسیده است که نمونه‌هایی از این مقالات معرفی می‌شوند:

غلامی‌نژاد و ساکت (۱۳۸۶) در مقاله «نگاهی به استفاده تمثیلی مولوی از داستان اصحاب‌کهف»، استفاده مولوی از عناصر داستان اصحاب‌کهف را که در مثنوی معنوی بروز پیدا کرده است و چگونگی بهره‌گیری او را مورد بررسی قرار دادند. ابراهیمی و زیدی جودکی (۱۳۹۷) در پژوهش «بررسی و تحلیل نقاط اتصال و اشتراک داستان‌های سوره کهف»، دلائل و اسباب ادبی، تجمع چهار قصه (اصحاب‌کهف، صاحب‌دو باغ، موسی (ع) و خضر، و ذوالقرنین) در سوره واحد را بررسی و حلقه‌های اتصال و پیوند آن‌ها را بازگو کردند. داوودی مقدم و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «نقش پادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کهف (واکاوی داستان‌های یاران غار و خضر و موسی)»، پادگفتمان‌های ناظرساز، مؤلفه‌ای و... را در سوره کهف تحلیل و تبیین نمودند. فتاحی‌زاده و ذاکری (۱۳۹۵) در مقاله «رویکرد ساختارشناسانه به سوره کهف» ساختار صوری و معنایی این سوره را واکاوی نمودند. حامد سقایان و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی سطوح روایت و عناصر آن در قصص سوره کهف»، برای تحلیل این سوره سطوح روایی، طرح داستان، متن روایی، شیوه روایی قصص و معانی سه داستان یاد شده در سوره کهف (داستان اصحاب‌کهف، داستان حضرت موسی (ع) و خضر، داستان ذوالقرنین) را بررسی نمودند. طبق بررسی‌ها تاکنون مقاله‌ای زمان روایی داستان اصحاب‌کهف را براساس دیدگاه ژرار ژنت مورد بررسی قرار نداده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد روایت‌شناسانه انجام شده است؛ بدین صورت که حوادث داستان کهف از نظر زمانی دسته‌بندی و سپس باتوجه به نظریه ژرار ژنت بررسی و تحلیل گردید.

نتیجه‌گیری

یکی از نظریات ژرار ژنت نظریه زمان روایی است که نقش مهمی در شکل‌گیری متون روایی دارد. پس از بررسی زمان روایی داستان اصحاب کهف براساس دیدگاه این نظریه‌پرداز نتایج زیر به‌دست آمد:

هر سه مؤلفه زمان روایی نظریه ژنت در داستان اصحاب کهف دیده شده است. در این داستان، خداوند به‌عنوان راوی دانای کل قرآن، باتوجه به ظرفیت قصه اصحاب کهف داده‌ها را در طرح داستان چیده و باتوجه به مضمونی که در نظر دارد، رویدادها و وقایع را به‌پیش می‌برد. گاه رویدادی را در زمان گاه‌شمارانه خود پیش می‌برد و گاه واقعه‌ای را به گذشته انتقال می‌دهد و از گذشته‌نگری و آینده‌نگری استفاده می‌کند و همین امر سبب زمان‌پریشی داستان شده است. آنجا که هدف عبرت بشر است از گذشته‌نگری استفاده شده و آینده‌نگری نشان‌دهنده علم و قدرت خداوند است. در این داستان، تداوم با درنگ توصیفی، حذف، خلاصه‌گویی و صحنه‌نمایشی صورت می‌گیرد. از آنجایی که در درنگ توصیفی توضیح بیشتری در مورد حادثه داده می‌شود، سرعت روایت کند می‌شود، ولی در حذف و خلاصه‌گویی سرعت روایت شتاب می‌گیرد. همچنین در صحنه‌نمایشی که مربوط به دیالوگ‌هاست، سرعت روایت و شتاب داستان ثابت می‌شود. آنجا که صحبت از راه سعادت و شقاوت و یا موضوع مهمی است، برای دقت مخاطب شیوه درنگ توصیفی و صحنه‌نمایشی به چشم می‌خورد.

داستان اصحاب کهف از نظر بسامد مفرد است. بسامد و تکرار غالب در جزئیات و وقایع این داستان قرآنی بیشتر از نوع مکرر است. وجود نظم، تداوم و بسامد در زمان روایی، برای پیشبرد اهداف بلند و متعالی قرآن صورت‌گرفته است و آن چیزی جز هدایت و تربیت انسان‌ها نیست که همه این موارد نشان‌دهنده اعجاز قرآن است که با بسیاری از نظریات جدید روایت‌شناسان منطبق است.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم.

- احمدی، بابک. (۱۳۸۰). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.
- ایگلتون، تری. (۱۳۸۶). پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه: عباس مخبر، تهران: مرکز.
- برتنز، یوهانس ویلم. (۱۳۸۸). نظریه ادبی. ترجمه: فرزانه سجودی، تهران: آهنگ دیگر.
- تایسن، لویس. (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. ترجمه: مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز.
- تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). درآمدی نقادانه - زبان‌شناختی بر روایت، ترجمه: ابوالفضل حری، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. تهران: دوستان - ناهید.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. به تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه.
- ریکور، پل. (۱۳۸۴). زمان و حکایت. ترجمه: مهشید نونهالی. جلد دوم، تهران: انتشارات گام نو.
- ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). روایت داستانی: بوطیقای معاصر. ترجمه: ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.
- حری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). «احسن از قصص: رویکرد روایت‌شناختی به قصص قرآنی». نقد ادبی، ۱(۲)، ۸۳-۱۲۲.
- سلدن، رامن و پیترو ویدوسون. (۱۳۸۴). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- شویلی، سلمان. (۱۳۹۵). پژوهش‌هایی در مورد هنر روایتگری در قصه‌های هزار و یک شب، ترجمه: علی‌اکبر مرادیان
- قبادی، خرم‌آباد: دانشگاه لرستان.
- علیزاده، ناصر؛ مهدی‌زاد فرید، مهناز. (۱۳۹۶). «بررسی عنصر زمان در قصه ورقه و گلشاه از دیدگاه ژرار ژنت». دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۷(۸۲)، ۲۵۹-۲۷۷.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۹۷۴) المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- لوتیه، یاکوب. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما. ترجمه: امید نیک‌فرجام، تهران: مینوی خرد.
- مکارم شیرازی، ناصر و نویسندگان. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.